

ظرفیت جهانی شدن انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب

امین جوادی^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

«جهانی شدن» به معنای بین‌المللی شدن هر امری، با چالش‌های فکری و هویتی‌اش، به دلیل آثار مثبت و منفی در زندگی انسان، دغدغه فکری عصر حاضر است. با توجه به تأکید شارع مقدس اسلام مبنی بر جهانی بودن این دین و با عنایت به پیروزی انقلاب اسلامی ایران در قرن معاصر که تعالیم اسلام علت موجد و مبقیه آن است، ضرورت طرح انقلاب در تراز بین‌المللی، اهمیتی مضاعف می‌یابد. مقام معظم رهبری (مدظله)، در منظومه فکری و نقشه راه ترسیمی خود که در قالب بیانیه گام دوم انقلاب ابلاغ شده است، لازمه جهانی شدن انقلاب اسلامی را، استفاده کاربردی از ابزارهای تربیت و قدرت در اخلاق و سیاست، مانند آزادی، معنویت، عدالت، استقلال، عزت و برادری دانسته و رسیدن به امت واحده جهانی به جای دهکده جهانی را در گرو عملی کردن استراتژی‌های اعلانی و اعمالی حداکثری برای ظرفیت‌سازی در تفکر مترقی انقلاب اسلامی می‌دانند. در این مقاله توصیفی - تحلیلی معلوم می‌شود انقلاب اسلامی به دلیل انطباق مبانی آن با فطرت، انعطاف‌پذیری، متعادل بودن دستاوردها و عقلانیت، ظرفیت جهانی شدن دارد.

واژگان کلیدی

جهانی‌شدن، انقلاب اسلامی، ظرفیت، بیانیه گام دوم انقلاب



مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی اش را پشت سر گذاشت و به دهه پنجم حیات خود قدم نهاد که برخلاف گمان‌های باطل دشمنان، دوستان انقلاب در سراسر جهان و به‌ویژه، در قالب جبهه مقاومت اسلامی، به پیشرفت‌های خیره‌کننده حاصل از تلاش جوانان مؤمن انقلابی امیدوارند. در چنین مقطع حساسی از تاریخ انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله) در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ و همزمان با پایان جهله اول انقلاب، با صدور بیانیه گام دوم انقلاب، دستاوردهای چهار سال گذشته را تبیین کردند و برای تعیین تکلیف برای انجام وظیفه و ایفای نقش جهادی برای ساختن ایران اسلامی بزرگ در جهله دوم انقلاب ارائه طریق فرموده‌اند. در واقع، این بیانیه تجدید مطالعی است خطاب به ملت بزرگ ایران، به‌ویژه نسل فرهیخته جوان، که به‌عنوان منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، فصل جدیدی از حیات طبیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را رقم خواهد زد. این مقاله درصدد تبیین توصیفی - تحلیلی آن قسمت از محتوای بیانات معظم‌له در بیانیه است که به ظرفیت جهانی‌شدن انقلاب اسلامی و شعارهای آن و ظهور و بروز آن در تراز بین‌المللی مربوط است. برای این امر، نخست چهارچوب، مزایا و معایب جهانی‌شدن را تعریف و تبیین می‌کنیم و سپس امکان‌سنجی جهانی‌شدن انقلاب اسلامی را بررسی می‌کنیم.

«جهانی‌شدن» معادل کلمه انگلیسی globalization به‌معنای شمول‌گرایی و فراگیر شدن امری در سطح جهان و به‌معنای بین‌المللی‌شدن، جهان‌گستری، فراقلمروگرایی و تعبیری از این دست تعریف شده است. «جهانی‌شدن» پدیده‌ای نوظهور و پیچیده است که به دلیل ابعاد نامکشوف و گسترده آن و ماهیت ساختارشکنانه‌ای که دارد، هنوز همه جوانب ماهیت و کارکردهایش آشکار نشده و از این‌رو، تعاریف و برداشت‌های گوناگون و حتی متضادی از آن ارائه شده است.

مارتین آلبرو جهانی‌شدن را فرایندهایی تعریف می‌کند که موجب می‌شوند تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم بپیوندند (ویلیامز: ۱۳۷). دیوید هلد چهار ویژگی اصلی جهانی‌شدن را این‌طور مطرح می‌کند:

الف. افزایش جریان‌ها و شبکه‌های ارتباطی؛ ب. نفوذپذیری متقابل؛ ج. گسترش روابط اجتماعی ملت‌ها، د. رشد ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی (نکوی سامانی، ۱۳۸۷: ۴۸).



مک گرو، از صاحب نظران در موضوع جهانی شدن، در تعریف و توصیف این پدیده می گوید: جهانی شدن به معنای افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابل است که فراتر از دولت‌ها شکل می گیرد و در نتیجه آن، قدرت دولت‌ها کاهش می یابد و هویت‌های مبتنی بر سرزمین و تاریخ و قومیت، ماهیتی متفاوت می یابند» (هلد و مک گرو، ۱۳۸۲: ۹۶ - ۱۲۴).

امانول والراشتاین در تعریف «جهانی شدن» می نویسد: «جهانی شدن فرایند شکل‌گیری شبکه‌هایی است که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کره خاکی دورافتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی، ادغام می شوند» (والرشتاین، ۱۳۷۷: ۲۷۸).

طبق تعریف دیگری، «جهانی شدن، فرایندی است که در نتیجه آن، محدودیت‌های جغرافیایی و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی متحول و برچیده می شوند و به تشدید آگاهی عمومی منجر می شود» (واترز، ۱۳۷۹: ۱۰ - ۱۲).

دیوید هاروی جهانی شدن را مرحله‌ای شدید از فشردگی زمان و مکان می داند که تأثیر گیج‌کننده و مخربی بر رویه‌های سیاسی اقتصادی، توازن قدرت طبقاتی و نیز بر زندگی فرهنگی و اجتماعی دارد (نکویی سامانی، ۱۳۸۷: ۳). امانول کاستلز، نویسنده کتاب جامعه اطلاعاتی، با اشاره به عصر اطلاعات، جهان‌گرایی را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را دربر می گیرد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۳۰).

در تعریفی دیگر، «جهانی شدن» به معنای (universalization) «جهان‌گستری» آمده است؛ یعنی، اشخاص و پدیده‌های فرهنگی بیشتر از دوران‌های دیگر، در همه مناطق سکونت‌پذیر کره زمین پخش شده‌اند (یان آرت، ۱۳۸۲: ۷). رابرتسون نیز در تعریف دقیق‌تری می گوید: «جهانی شدن یا سیاره‌ای شدن جهان، مفهومی است که هم به تراکم جهان و هم به تشدید آگاهی درباره جهان و هم به وابستگی متقابل و هم تشدید آگاهی از یکپارچگی جهان در قرن بیستم اشاره دارد» (نکویی سامانی، ۱۳۸۷: ۳).

جهانی شدن به دلیل داشتن چالش‌های فکری و هویتی ناشی از آن، دغدغه فکری زمانه و به‌ویژه، تاریخ معاصر شده است و در عرصه‌های اصلی حیات انسان اعم از سیاست، اقتصاد و فرهنگ با محورهای مثبت و منفی آثار و پیامدهایی دارد. دورویه بودن جهانی شدن، ازسویی ناشی از بُعد فناورانه آن است و ازسوی دیگر، در ماهیت ایدئولوژیک آن ریشه دارد.



جهانی شدن با استفاده از فناوری ارتباطی، میان پدیده‌های بومی و جهانی پیوند می‌زند؛ ایده‌ها و هنجارهای بومی را جهان‌گیر می‌سازد و از طریق تعمیم‌سازی فرهنگی و ارزشی، به استحاله و تخریب تمایزها و تفاوت‌های بومی و محلی می‌انجامد. از جانب دیگر، به گفته دیوید هاردی (سجادی، ۱۳۸۸: ۲۵)، جهانی‌سازی با فروریختن مرزهای زمانی و مکانی، جوامع بشری را دچار بی‌هویتی و بحران معنا می‌سازد؛ زیرا، این پدیده، مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز یعنی، زمان و مکان را تحت تأثیر قرار داده، به فشردگی مکان‌ها و تراکم زمان‌ها می‌انجامد.

با توجه به آثار و پیامدهای جهانی‌شدن برای جوامع بشری و با عنایت به وضعیت ویژه جوامع اسلامی، چالش‌ها و تعارضات جهانی‌شدن در جوامع و اندیشه اسلامی به‌ویژه، ملت‌های شیعه تشدید می‌شود؛ زیرا، چه جهانی‌شدن را پروسه تاریخی تلقی کنیم یا پروژه غربی، در هر دو حالت، مظروف این ظرف، ایده‌های لیبرالیسم است؛ و فرهنگ لیبرالیستی و آموزه‌های لیبرال دموکراسی گفتمان مسلط عصر جهانی است. این امر به معنای چالش جدی هویت و فرهنگ اسلامی است. به عبارت دیگر، جهانی‌شدن چالش‌های مدرنیته غرب در برابر سنت دینی را از لایه‌های ویژه روشنفکری و روشن‌اندیشی بیرون کشیده و در حوزه عام جوامع مطرح کرده است. این امر تعامل جوامع اسلامی با پدیده‌های جدید را به دغدغه عمومی مسلمانان، به‌ویژه قشر فرهیخته و جوانان مسلمان، تبدیل کرده است. با الهام از ایده آنتونی گیدنز (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۶ - ۵۸)، می‌توان گفت: اگر تجدد و مدرنیته، جوامع سنتی را با بحران هویت و تشخیص‌یابی روبه‌رو کرد، جهانی‌شدن این بحران را در سطح عام و گستره وسیع جوامع سنتی مطرح کرد. حال، در مواجهه با دغدغه مطرح‌شده، اندیشمندان مسلمان چه پاسخی تدارک دیده‌اند؟ اندیشه و فرهنگ اسلامی و با عنایت به دغدغه مقاله، انقلاب اسلامی ایران از چه ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی برای ارائه تعریف جدیدی از هویت انسان مسلمان و تجدد برخوردار است؟

برای کشف ظرفیت‌های موجود در اندیشه سیاسی اسلام، مقایسه اصول، مبانی و اهداف حکومت جهانی اسلام، که در چهارچوب اندیشه شیعی در قالب حکومت مهدوی (عج) و جامعه عصر ظهور مطرح می‌شوند، با اصول و اهداف جهانی‌شدن لیبرال و الگوی دموکراسی لیبرال تا حدودی راهگشاست. براساس اندیشه مهدویت، ناکامی الگوهای بشری در اداره عادلانه جوامع بشری، زمینه‌های یأس، سرخوردگی و درماندگی انسان معاصر را فراهم



می‌کند، و خود بسترساز پذیرش ایده مهدویت می‌شود؛ بنابراین، ناگزیر باید مهم‌ترین اهداف و ویژگی‌های نظام لیبرالیسم را مظروف و گفتمان غالب جهانی شدن با اندیشه حکومت مهدوی (عج) مورد مقایسه قرار دهیم:

جهانی شدن دارای دو رویه «ایدئولوژیک» و «تکنولوژیک» است. از نظر ایدئولوژیک، رابطه جهانی شدن و حکومت جهانی اسلام رابطه تعارضی، و از نظر تکنولوژیک، عدم تعارض و همراهی است. ناگفته پیداست که براساس دو دیدگاه دیگر (ایدئولوژیک‌نگر و تکنولوژیک‌نگر) رابطه یادشده از تعارض کامل تا انطباق و همراهی کامل نوسان دارد. با تفکیک دو رویه یادشده، استدلال می‌کنیم که جهانی شدن به‌ذات و از نظر ماهوی فرایندی تاریخی است که بر بنیان توسعه و پیشرفت خیره‌کننده تکنولوژی ارتباطی شکل گرفته است. جهانی شدن ظرف بی‌مظروفی است که هر جماعتی می‌تواند مظروف خود را در درون آن به دیگران عرضه کند؛ هرچند، امروزه حجم بیشتر این ظرف را آموزه‌های لیبرال غربی به خود اختصاص داده است. بنابراین، جوامع اسلامی نیز این فرصت را دارند تا در سایه تفکر دهکده جهانی، گذشته از معایب آن، با استفاده از منطق قوی و توانمندی‌های تعالیم و فرهنگ اسلامی، با تبیین امت واحد جهانی به‌جای دهکده جهانی، جوامع تشنه و سرخورده بشری را سیراب سازند، ولی ظرف انتقال‌دهنده این مشروب، «جهانی شدن» است.

درباره ماهیت و ویژگی‌های جهانی شدن، اتفاق نظر وجود ندارد. این امر تا حدی طبیعی است؛ زیرا، با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که درحال تکوین و «شدن» است و هنوز به «بودن» نرسیده تا توصیف و شرح جامعی از آن ارائه کنیم. به‌طورکلی، سه دیدگاه فکری از سه زاویه مختلف این مقوله را بررسی کرده‌اند: رئالیستی، لیبرالیستی و رادیکال. دیدگاه‌های اول و سوم، جهانی شدن را پدیده‌ای دیرینه و مقوله‌ای قدیمی می‌دانند؛ درحالی‌که، نگاه لیبرالیستی آن را یک مقوله مستحدثه می‌خواند (سجادی، ۱۳۸۵؛ سجادپور، ۱۳۸۱: ۴۰۶).

صرف نظر از تفاوت‌های لفظی و گاه ماهوی در تعریف جهانی شدن، از میان تعاریف گوناگون، می‌توان این نکته را به‌عنوان وجه مشترک همه تعریف‌ها برگزید که جهانی شدن، چه پروسه یا پروژه، بیانگر وضعیتی است که در درون آن، ارتباطات متقابل، وابستگی متقابل و تأثیرگذاری متقابل به شکل فزاینده‌ای رشد یافته است؛ به‌گونه‌ای که، شعاع اثرگذاری رفتار واحدهای سیاسی از مرزهای ملی عبور می‌کند، دورترین واحدها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



حال پرسش این است که، جهانی شدن با این ویژگی‌ها تا چه اندازه احتمال توفیق دارد؟ این پرسش از نگاه لیبرالیسم پاسخ مثبت دارد؛ زیرا، جهانی شدن جریانی طبیعی است که دیر یا زود شعاع خود را در سراسر جهان گسترش خواهد داد. در این تلقی، همراه با جهانی شدن، دنیا شاهد عالم‌گیر شدن دموکراسی لیبرال، تجارت آزاد و اصول اعتقادی لیبرال خواهد بود و دیگر فرهنگ‌ها در برابر موج توفنده این جریان رنگ خواهند باخت.

در مقابل، نگرش چپ و دیدگاه انتقادی، جهانی شدن را چهره جدیدی از قدرت امپریالیستی می‌خواند و بیشتر به جنبه پروژه بودن آن تأکید دارد و معتقد است که جهانی شدن با مقاومت و مخالفت‌هایی در قالب جنبش‌های کارگری و ائتلاف‌های منطقه‌ای روبه‌رو خواهد گشت. جهانی شدن (globalization) جریان واقعی تاریخی است. منطق کانونی این جریان، نوسازی مبتنی بر علم و صنعت و نوآوری است که از قرن هفدهم آغاز شده است. جهانی شدن اگرچه از منطق اقتصادی شروع شده ولی با گذشت زمان کلیت نظام اجتماعی اعم از سیاسی و فرهنگی را درگیر کرده است. آنچه اهمیت دارد، تعریف نوع تعامل با چنین جریان جهانی است؛ به‌ویژه، جوامع دینی که با نظام ارزشی ویژه‌ای اداره می‌شوند. به عبارت دیگر، یکی از چالش‌های ما ایرانیان با جهانی شدن، تعریف «نسبت دین و جهانی شدن» است.

اگرچه، جهانی شدن جریان سیستماتیک اقتصادی سیاسی فرهنگی است، ولی، بیشترین محل چالش دین با جهانی شدن، فرهنگ است. در این رابطه، می‌توان گفت که جهانی شدن برای دین اسلام نه تهدید، بلکه فرصت به‌شمار می‌رود. گسترش شبکه رسانه‌های الکترونیکی دسترسی آسان و گسترده به داده‌ها و اطلاعات در سطح جهان و عریان شدن ایده‌ها و الگوهای زندگی افراد را امکان‌پذیر کرده است. در چنین بازار مکاره جهانی، تمدنی که بهترین کالای فرهنگی برای عرضه در این بازار را داشته باشد، شانس غلبه فرهنگی خواهد داشت. با داعیه جامعیت دین اسلام در میان مسلمانان و قابلیت‌های درون فرهنگی آن می‌توان از این فرصت رسانه‌ای با برد بلند، برای برتری و تحقق ایده‌های آخ‌زمانی خود سود جست و به‌ویژه، بحران‌های اخلاقی و معنوی مدرنیته و ناکارآمدی طرح‌های دنیاگرایانه آن، شرایط مستعدی برای جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران فراهم آورده است که برخاسته از آموزه‌های مترقی دین مبین اسلام که اسلام‌هراسی‌های غرب در دهه‌های اخیر نویددهنده این حقیقت است. جهانی شدن که میدان وسیعی از نقد و نظر را به‌وجود آورده، موجب آشکار شدن قابلیت‌های



ملی برای عرضه کالای خویش شده است. از این رو، به طبع، جهانی شدن جهان‌گرایی را می‌طلبد.

از منظر اسلامی، آرا و اندیشه‌های بشری جنبه‌های صوری و گذرا دارند و ماندگار نیستند و در برابر اندیشه‌های دینی رنگ خواهند باخت؛ با عنایت به وقوع انقلاب اسلامی در ایران، با الهام از آموزه‌ها و اندیشه دینی، انتظار می‌رود مطالب پیش‌گفته در واقعیت مصداق پیدا کند و به ظهور برسد؛ زیرا، انقلاب اسلامی با توجه به ظرفیت و توانمندی ذاتی و انطباق با فطرت انسانی، جاذبه‌هایی به مراتب بیش از ایده‌های بشری دارد. ولی تحقق این امر، به ارائه منطق دینی در قالبی مقبول، و ترسیم چهره واقعی اسلام و به‌طور کلی، شناسایی، کشف، معرفی و به‌منصه ظهور رساندن ظرفیت‌های انقلاب اسلامی نزد افکار جهانی نیاز است. در صورت تحقق این مسئله، جهان در آینده شاهد جهانی شدن اسلام و انقلاب اسلامی به‌جای لیبرالیسم غرب خواهد بود و این مقاله در پی معرفی ظرفیت جهانی شدن انقلاب اسلامی در قالب بیانیه گام دوم انقلاب تدوین می‌شود.

اسلام می‌خواهد تمام اختلافات و جدایی‌ها را که به نام‌های گوناگون پدید آمده است، با عقیده توحید از میان بردارد. اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی، زبانی، همه باید از میان برود و سبب امتیاز و افتخار نباشد، حتی باید اختلافات دینی هم کنار گذاشته شود و همه تسلیم فرمان خدا باشند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل عمران: ۶۴).

اینک به برخی از آیات و روایات این موضوع از جمله: «روزی خواهد آمد که دین غالب در روی کره زمین، دین اسلام است.» و «پیروزی از آن مستضعفان است.» و «صالحان، وارث زمین‌اند.» و «در همه‌جای کره زمین، عدل حاکم خواهد شد.» و اینکه «همه دین‌ها در عصر ظهور حضرت مهدی (عج) خواهد بود.»، اشاره مختصری می‌کنیم و تفصیل آن را به کتاب‌های مفصل وامی‌گذاریم.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵)؛ در زبور داوود نوشته‌ایم که صالحان از بندگان من، وارث زمین خواهند شد.» در تفسیر مجمع‌البیان طبرسی، ذیل این آیه، از حضرت امام باقر (ع) روایت شده است که فرمودند: «هُم أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ آنان، همان یاران حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان‌اند.»



وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» (نور: ۵۵)؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند.

در این آیه شریفه، سه وعده آشکار به مؤمنان وارسته و صالح داده شد است:

الف. استخلاف در زمین؛ یعنی، حکومت در کل کره زمین با عنوان نمایندگی خدا که دارای حکومت حق و عدالت است؛

ب. تمکین دین؛ یعنی، نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه زمین؛

ج. تبدیل خوف به امنیت؛ یعنی برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه جای زمین.

در تفسیر مجمع البیان ذیل این آیه از حضرت امام سجاد(ع) روایت شده که فرمودند: «هُمُ وَاللَّهِ سَيَعْتَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِ رَجُلٍ مِنَّا وَهُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ این گروه به خدا قسم! همان پیروان ما هستند که خداوند به وسیله مردی از خاندان ما، این موضوع را تحقق می‌بخشد و او، مهدی(عج) این امت است.»

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (توبه: ۳۳)؛ خداوند رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین حق او، بر همه ادیان، غالب آید هرچند مشرکان به این کار راضی نباشند.

پیامبر اعظم(ص) در دعای ماه مبارک رمضان می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ؛ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ؛ اللَّهُمَّ اكْسِ كُلَّ عَرِيَانٍ؛ اللَّهُمَّ اقْضِ دِينَ كُلِّ مَدِينٍ؛ اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن كُلِّ مَكْرُوبٍ؛ اللَّهُمَّ رَدِّ كُلَّ غَرِيبٍ؛ اللَّهُمَّ فَكِّ كُلِّ اسِيرٍ...». پیامبر(ص) در این دعا از خدا می‌خواهد که تمام فقیران جهان به رفاه برسند و تمام گرسنگان جهان سیر شوند و تمام برهنگان جهان لباس بپوشند. پیداست این دین مطالبات جهانی و بشری دارد و با مطالبات جهانی تفکر مقابل، به‌ناگزیر اشتقاق تنوریک پیدا می‌کند و پیدا کرده است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۳ - ۲۵).

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)



(صف: ۹)؛ اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد تا آن را بر هرچه دین است فائق گرداند هر چند مشرکان را ناخوش آید.

برطبق روایات، امام علی (ع) هنگام تلاوت این آیه از یاران خود پرسیدند: «آیا این پیروزی حاصل شده است؟». گفتند آری. فرمودند: «لَا فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَ يِنَادِي بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَكَرَةً وَعَشِيًّا؛ نه! سوگند به کسی که جانم به دست اوست، این پیروزی، آشکار نمی شود مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین باقی نماند، مگر آنکه صبح و شام بانگ لا اله الا الله از آن به گوش رسد» (مجمع البیان، ذیل آیه ۹ سوره صف).

باقر آل محمد (ص) فرمودند: «إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خَرِّ وَاقْرِ بِمُحَمَّدٍ؛ این پیروزی به هنگام قیام مهدی (عج) از آل محمد (ص) خواهد بود؛ آن چنان که هیچ کس در جهان باقی نمی ماند مگر آنکه اقرار به رسالت محمد (ص)، خواهد کرد»
از این آیات و روایات به روشنی دریافت می شود که:

- سرانجام، صالحان وارث کل زمین اند، نه شرق یا غرب، جنوب یا شمال آن؛
- افراد شایسته جانشین پیشینیان در همه کرة زمین اند و قدرتشان در همه جای عالم ظاهر می شود؛

- دین اسلام غالب بر همه ادیان، در جای جای کرة زمین حاکم خواهد شد؛

- همه اینها در عصر ظهور حضرت مهدی (عج) واقع خواهد شد.

حکومت مهدی (عج) حکومتی جهانی خواهد بود و این حکومت واحد جهانی، جزء وعده های الهی است که تخلف ندارد؛ زیرا، «ان الله لا ینخلف المیعاد» (مجمع البیان، ذیل آیه ۹ سوره صف)؛ بنابراین، اعتقاد به تشکیل حکومت واحد جهانی، از قرآن کریم و روایات اهل بیت (س) نشئت گرفته است؛ چراکه، خداوند تحقق آن را وعده داده است و هرگز تخلف نخواهد کرد.

در استمرار انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)، پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در عصر حاضر در ایران و به ثمرنشتن خون های پاک و مطهر شهیدان و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی یکی از ظرفیت های جهانی شدن این تحول بزرگ در تاریخ سیاسی معاصر به شمار می رود که قصد دارد این انقلاب را در گستره جهانی توسعه دهد.

انقلاب اسلامی ایران انقلابی بود که می خواست با به اجرا درآوردن احکام و ارزش های اصیل اسلامی در تمام ابعاد حکومتی، دین را در نظام حکومتی خود نهادینه کند. با ظهور



انقلاب اسلامی و تلاشی که برای رساندن پیام خود به گوش تمام ملت‌ها انجام شد، این زمینه و آمادگی در برخی ملت‌ها به‌ویژه، ملت‌های مسلمان، فراهم شد تا از خواب غفلتی که در آن بودند، بیدار شوند و راه نجات از «ازخودبیگانگی» و «دوگانگی ارزشی» که به آن گرفتار بودند را در بازگشت به ارزش‌ها و تعالیم اسلامی بیابند.

از نگاه فقهی این هدف آرمانی انقلاب اسلامی توجیه‌پذیر است. مراجع معظم تقلید در بحث از شرایط شش‌گانه تقلید می‌فرمایند که برای مکلف شدن فرد مسلمان، علاوه بر عقل، بلوغ، آزادی و اختیار، در قید حیات بودن مکلف، قدرت و توانایی، اطلاع و آگاهی از حکم اسلام و تکلیف نیز شرط است و صدالبته، اگر فرد یکی از این شرایط را نداشته باشد، مکلف نیست. در توضیح شرط اطلاع و آگاهی گفته می‌شود اگر فرد مسلمان نسبت به حکم فقهی اسلام جاهل قاصر و باشد، شایسته مواخذه نیست و تکلیف از او ساقط است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پیشرفت‌های خیره‌کننده جمهوری اسلامی ایران این فرصت طلایی را در اختیار قرار داد تا با بهره‌گیری از امکانات روز دنیا از جمله راه‌اندازی شبکه‌های جهانی العالم، الکوثر، خبر، پرس‌تی‌وی و ... حکم اسلام و نیز پیام انقلاب اسلامی ایران را به همه نقاط جهان مخابره کند تا هم حجت شرعی برای همه مردم دنیا تمام شود و نیز پیام انقلاب اسلامی ایران که برگرفته از آموزه‌های اسلام راستین و اصیل است، به گوش جهانیان برسد؛ در نتیجه، مطلوب که همان جهانی شدن انقلاب اسلامی است، به دست می‌آید؛ این ظرفیت در بن‌مایه‌های فقهی و سیاسی انقلاب اسلامی وجود دارد که گاهی نادیده گرفته می‌شود.

برای اینکه بتوانیم هرچه بیشتر ظرفیت‌های جهان‌شمول کردن انقلاب اسلامی ایران را به جامعه ملل و جهان معرفی کنیم، نخست، باید شاخصه‌هایی که انقلاب اسلامی را در تراز بین‌الملل قرار داده است، بیان کنیم.

یکی از مهم‌ترین و آشکارترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران بُعد ایدئولوژیک آن است که با بهره‌گیری از آیات و روایات، ویژگی‌هایی ذاتی را در خود ایجاد کرده است که استقبال محرومان جهان، حتی غیرمسلمانان را جلب کرده و باعث رهایی آنها از یوغ استکبار شده است. سه ویژگی «مظلوم‌یآوری»، «استکبارستیزی» و «عدالت‌محوری» نمودهای بارز شاخصه ایدئولوژی انقلاب اسلامی است که امامین انقلاب اسلامی همواره در بیانات و سیره عملی خود، به این سه ویژگی تأکید داشته و دارند. این ویژگی‌ها یکی از امتیازهای



انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با دیگر انقلاب‌های جهان است. پرواضح است که خواسته مستضعفان، محرومان و مظلومان جهان نیز چیزی جز این سه ویژگی نیست و همین امر باعث نفوذ تفکرات انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن در قلب ملت‌های جهان شده است. از آنجاکه، این شاخصه‌ها از کشوری شیعی آغاز شده و استمرار انقلاب هم با تمسک به آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) است، خودبه‌خود آنان را مخاطبان مکتب شیعه کرده است، بنابراین، انقلاب اسلامی با عنایت به شاخصه‌های یادشده یکی از ظرفیت‌هایی است که باید جهانی شود؛ هرچند تأثیر و نمود عینی این تفکر طی پروسه زمانی طولانی رخ دهد؛ در حال حاضر، این امر با عنوان بیداری اسلامی به عینیت رسیده است.

محمد الامین خلیفه، رئیس مجلس شورای اسلامی سودان، درباره نقش انقلاب اسلامی در تجدید حیات اسلامی می‌گوید:

انقلاب اسلامی ایران پرچم‌دار تجدید حیات اسلامی در این قرن است. ملت سودان با الهام‌گرفتن از ملت ایران قیام کرد و بعد از ده سال از انقلاب اسلامی، به ندای دعوت امام خمینی (ره) لبیک گفت و پرچم‌دار دفاع از اسلام در قاره ستم‌دیده آفریقا شد (امیدوار و یکتا، ۱۳۷۹: ۲۶۵ - ۲۶۶).

محمدحسین هدی، اندیشمند مسلمان مقیم اتریش، درباره تأثیر انقلاب اسلامی در احیای تفکرات دینی می‌گوید:

اگر بنا باشد تاریخی را برای احیای هویت دینی در نظر بگیریم، آن تاریخ، ۱۹۷۹ میلادی است؛ یعنی، مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که خیزش عظیمی را برای تفکرات دینی در تمام ادیان به‌وجود آورده است. آخرین آمارها در مورد احیای تفکر دینی که در سال ۱۹۹۰ صورت پذیرفته، نشان می‌دهد که تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دین‌داری می‌کنند. انقلاب اسلامی موجب احیای تفکر دینی در جهان گشت (کیهان، ۱۳۷۶).

این اظهارات حاکی از این واقعیت است که انقلاب اسلامی از عمق و جایگاه ویژه‌ای در عرصه جهانی برخوردار است و توانسته هویت اسلامی را در دنیای اسلام و هویت معنوی را در کل جهان زنده کند و این خود، کارآمدی انقلاب اسلامی در عرصه جهانی را به تصویر می‌کشد. انقلاب اسلامی ایران، حرکتی نوگرایانه فرهنگی برای احیای هویت اسلامی نه‌تنها در ایران بلکه، مطرح ساختن آن در جهان به‌عنوان مکتب حیات‌بخش و الگوی تمام‌عیار

سعادت و رفاه دنیوی و اخروی بود. انقلاب اسلامی بازگشت به اسلام اصیل و اسلام ناب محمدی (ص) و طرد اسلام آمریکایی زورمداران را در دستور کار خود قرار داد و خواهان زدودن انواع خرافه‌ها و تفسیرهای غلط از اسلام شد. تأکید بر محوریت خدا و اتکا به یاری تعالی و شکوفاساختن استعدادهای انسانی و بهره‌گیری از توانایی‌ها و امکانات فکری و مادی جامعه از جمله هدف‌های انقلاب است (پورااحمدی، ۱۳۸۶: ۹۶). گفتمان هویتی انقلاب اسلامی در تقابل با مظاهر تجدد از جمله ناسیونالیسم بود. واژه ملت و ملت‌گرایی به مفهوم اروپایی آن در فرهنگ ایرانی وجود نداشت و از آنجاکه خود را مقدم بر اسلام می‌یافت، در چالش با فرهنگ اسلامی «امت» قرار می‌گرفت. تأکید بر صدور انقلاب حکایت از این داشت که گفتمان هویتی انقلاب اسلامی فراملی و در تضاد با ملت‌گرایی است. در این گفتمان، هویت اسلامی برتر از هویت ملی و دربرگیرنده آن به‌شمار می‌رود. صدور انقلاب گواهی است بر اینکه انقلاب اسلامی ماهیتی جهانی دارد و در عصر جهانی‌شدن فرهنگ، در پی ایجاد نظم نوین فرهنگی جهانی (فرهنگ جهانی اسلام) و تفسیر وفاداری ملی و سرزمینی به وفاداری و همبستگی جهانی است (پورااحمدی، ۱۳۸۶: ۹۸) پیروزی انقلاب اسلامی ایران سبب حیات دوباره علاقه و کنجکاوای نسبت به فرهنگ و تمدن اسلامی شده است و برخورد آن را با فرهنگ غرب که در پی غلبه بر جهان است تشدید کرده است (مولانا، ۱۳۸۱: ۱۹۷ - ۲۰۵). امروز در جهان اسلام و به‌ویژه در خلیج فارس، به برکت انقلاب اسلامی، دوباره فعالیت‌های دینی سازمان یافته‌اند و روند احیای اسلامی حرکت اجتماعی وسیعی در مقابله با بحران نوسازی غربی به ظهور رسانده است. در بسیاری از این کشورها بیشتر جوانان مسلمان به‌ویژه کسانی که عضو طبقه متوسط و پایین هستند، اسلام را به‌عنوان فرهنگی پذیرفته‌ند که آنان را از خودبیگانگی و ناامیدی‌های مفرط نجات می‌دهد و مدل عملی حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در جهان تحت سلطه غرب ارائه می‌کند. در یک کلام، امروزه اسلام همچنان نیروی قدرتمند فرهنگی در جوامع اسلامی و در غرب آسیاست؛ آن‌هم در دورانی که دولت‌های سکولار با پیروی از اندیشه‌های غربی می‌کوشند نوسازی را در کشورهای خود پیگیری کنند ولی، در عمل با ناکامی مواجه شده‌اند. اسلام به‌دنبال تأسیس، سازماندهی و تقویت خود در قلب فرهنگ سیاسی است (رمضانی، ۱۳۷۴). انقلاب اسلامی ایران توانست با تشکیل دولت اسلامی با تکیه بر شریعت و فرهنگ اسلامی، این



امر را تحقق بخشد که آمادگی پذیرش هرگونه نوآوری در اداره بهتر جوامع و حاکمیت واقعی مردم در چهارچوب قوانین الهی را دارد. انقلاب اسلامی ایران قدرت لازم برای الگوگیری احیای تفکر اسلامی در اداره جامعه و در نتیجه، ارائه مدل بدیل در برابر مدل سیاسی حاکمیت غرب در جوامع اسلامی را ممکن ساخت. این امر مقاومت فرهنگ اسلامی در برابر روند جهانی سازی فرهنگ لیبرال دموکراسی غرب را تقویت کرده است. هویت و فرهنگ انقلاب اسلامی، خودباوری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در انکار عقاید سلطه آمیز و فرهنگ لیبرال غرب و در عین حال، بهره برداری از دستاوردهای ارزشمند بشر در رشد و توسعه ابعاد گوناگون حیات انسانی و به کارگیری فناوری های پیشرفته صنعتی عینیت بخشیده است و آن را تبلیغ می کند. احیای اسلامی مدل جدیدی در زندگی جوامع اسلامی و دیگر جوامع تحت سلطه فرهنگ غرب را مطرح می سازد و این مدل زمینه ساز تداوم مقاومت در برابر هجوم فرهنگ لیبرال غرب است. (پوراحمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۰)

حضرت امام راحل (ره) ایجاد پیوند هرچه بیشتر بین شیعه و سنی و وحدت آنها با عنوان نیروی واحد و قدرتمند جهانی در برابر قدرت ها را از مهم ترین دست آوردهای انقلاب اسلامی می داند (امام خمینی، سید روح الله (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۸۲) و معتقد است انقلاب اسلامی ایران با صدور ارزش های خویش گامی عمده در بیدارسازی و آگاهی مسلمانان جهان، به چهره واقعی از اسلام برداشته است (امام خمینی، سید روح الله (ره)، ج ۱۷: ۱۲۱). از دیگر ظرفیت های جهانی شدن انقلاب اسلامی می توان به مطرح شدن ملت ایران در محاسبات ابرقدرت ها (امام خمینی، سید روح الله (ره)، ج ۱۷: ۶۳)، خروج ملت ایران از حالت انزوا به حضور و معرفی ایران به عنوان مرکز مبارزه علیه استعمار و کانون مبارزه و برهم زننده محاسبات ابرقدرت ها (امام خمینی، سید روح الله (ره)، ج ۱۷: ۶۳) اشاره کرد که این امر در مسیر اتحاد ملت های دنیا و تبدیل آنها به امت واحده جهانی به جای دهکده جهانی خواهد بود (امام خمینی، سید روح الله (ره)، ج ۱۳: ۲۲۵).

مقام معظم رهبری (مدظله) در بیانیه گام دوم انقلاب می فرماید: «برای همه چیز می توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، ولی شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت،

برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز، نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از رویگردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پابندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها» (رهبر معظم انقلاب (مدظله)، ۱۳۹۷).

از دیگر شاخصه‌های انقلاب اسلامی، موضوع «ظرفیت ایجاد مقاومت» و به عبارت رساتر، داشتن ویژگی جریان مقاومت‌ساز است که با استناد به آیه ۱۳ سوره مبارکه احزاب به‌عنوان رمز و فرمول موفقیت و تحت تدبیر حکیمانۀ صدور انقلاب، به مظلومان جهان معرفی شده است. ضمانت اجرایی این فرمول نیز تجربه واقعی و عینی مقاومت منجر به پیروزی ملت مسلمان و مقاوم ایران است که از سال ۱۳۴۲ تحت زعامت رهبری مقتدر و الهی درمقابل مستکبران جهان و درواقع، درمقابل تفکر فریبای لیبرال دموکراسی شروع و در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ و با تمسک به ثقلین پیامبر (ص) به پیروزی رساند. این تجربه با ارزش نمونه عینی کارکرد ظرفیت انقلاب اسلامی در قالب آموزه‌های تشیع درمقابل دیدگان مستضعفان جهان است؛ برای اثبات اینکه این ظرفیت و پتانسیل معطل‌مانده جامعه خودشان را به مرحله عمل برسانند.

ایشان در ابتدای بیانیه با نگاه فرایندی به انقلاب اسلامی با هدف جهانی شدن و تمدن‌سازی می‌فرمایند: «از میان همه ملت‌های زیرستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. ولی انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌سازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود» (رهبر معظم انقلاب (مدظله)، ۱۳۹۷: ۱۱ - ۱۲).

انقلاب اسلامی با احیای تفکر اسلامی نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های گوناگون برجسته ساخت و عنصر هویت اسلامی را واقعیتی پذیرفته‌شده در برابر هویت جهان شمول



غرب قرار داد. انقلاب اسلامی با تشدید اسلام خواهی از طریق ترویج اسلام سیاسی، بسیاری از مسلمانان جهان را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرار داد. در تداوم انقلاب نیز ایران با داعیه رهبری جهانی در پی اسلامی شدن جهان از طریق وحدت مسلمانان در مبارزه با مستکبران است (توال، ۱۳۸۰: ۶۰). در این زمینه، تلاش های فراوانی برای صدور و گسترش افکار انقلابی در جهان صورت گرفته که این تلاش ها، موفقیت ها و ناکامی هایی را به همراه داشته است. انقلاب اسلامی ایران بی شک در افتخار و اعتماد به نفس مسلمانان بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی آنها نقش داشته و یکی از مهم ترین انقلاب های قرن بوده است. این مسئله نه فقط بر اساس نتایج بلند مدت که برای خلیج فارس، غرب آسیا و شرق آفریقا و تمام جهان اسلام داشته بلکه بر اساس دستاوردهایی است که برای سراسر جهان به ارمغان آورد. این موضوع در تمام ابعاد انقلاب ارزیابی شده است به گونه ای که، می توان ادعا کرد پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مهم ترین حادثه قرن اخیر از زمان انقلاب بلشویکی در سال ۱۹۱۷ است. هر چند انقلاب اسلامی ایران با احیای اسلام و تفکر اسلام سیاسی خود را در مقابل غرب و فشارهای شدید نظام بین الملل قرار داد، ولی همین امر، غرب را در شناخت بهتر و جامع تر اسلام ترغیب کرد و به تدریج مطالعات اسلامی و اسلام شناسی به شدت جای شرق شناسی را گرفت و یکی از مهم ترین دلایل شکل گیری این مطالعات، جنبه های گوناگون تأثیر گذاری انقلاب اسلامی در سطوح منطقه ای جهانی بوده است (طاهری، ۱۳۸۶: ۱).

رهبر معظم انقلاب (مدظله) درباره اینکه انقلاب اسلامی ایران نقطه اتکا و امید مسلمانان و شیعیان جهان و کشورهای اسلامی است، می فرماید: «... امروز جوانان سنی فلسطین مانند جوانان شیعهی مخلص لبنان، چشم به نظام جمهوری اسلامی دوخته اند. امید را از نگاه به جمهوری اسلامی در دل خود انباشته می کنند. استقامت جمهوری اسلامی، آنها را امیدوار می کند. آنها از عزت جمهوری اسلامی احساس عزت می کنند... هر چه مواضع يك مسئول صریح تر و روشن تر نمایانگر مواضع جمهوری اسلامی باشد، محبت و ارادت دنیای اسلام به او بیشتر می شود» (رهبر معظم انقلاب (مدظله)، ۱۳۸۶/۳/۱۴).

مقام معظم رهبری (مدظله) با اشاره به ظرفیت انعطاف پذیری انقلاب اسلامی، آن را یکی از نقاط عطف انقلاب یاد کرده و با رد کردن انفعال و تجدیدنظر پذیری نظام جمهوری اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب بیان داشته اند: «انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده و

با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، ولی تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست...» (رهبر معظم انقلاب (مدظله)،، ۱۳۹۷: ۱۴).

هویت یکی از مؤلفه‌های مهم انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی به‌شمار می‌رود؛ چراکه، گفتمان هویتی انقلاب اسلامی با مظاهر تجدد از جمله ناسیونالیسم در تقابل بود. واژه ملت و ملت‌گرایی به مفهوم اروپایی آن در فرهنگ ایرانی وجود نداشت و از آنجاکه خود را مقدم بر اسلام می‌یافت، در چالش با فرهنگ اسلامی «امت» قرار می‌گرفت.

هویت فراملی انقلاب اسلامی نتیجه تأکید بر تدبیر حکیمانه است که با ملت‌گرایی در تضاد است. در این گفتمان، هویت اسلامی از هویت ملی برتر و دربرگیرنده آن است. صدور انقلاب نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی دارای ماهیتی جهانی است و در عصر جهانی شدن فرهنگ، به دنبال ایجاد نظم نوین فرهنگی اسلام به‌جای نظم نوین دروغین غرب است (رهبر معظم انقلاب (مدظله)،، ۱۳۹۷: ۹۸) پیروزی انقلاب اسلامی ایران سبب حیات دوباره علاقه و کنجکاوی نسبت به فرهنگ و تمدن اسلامی شده است و برخورد آن را با فرهنگ غرب که در پی غلبه بر جهان است، تشدید کرده است (مولانا، ۱۳۸۱: ۱۹۷ - ۲۰۵).

رهبر معظم انقلاب (مدظله) همچنین برای جلوگیری از ایجاد تفرقه و پرهیز از هدر دادن ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل انقلاب اسلامی در بین ملت‌های جهان به‌ویژه، کشورهای اسلامی، و لزوم انسجام آنها، با صدور فتوایی فقه می‌فرمایند: «... این جانب به برادران شیعه افغانستان و به هر کس دیگری از مردم افغانستان که نصیحت برادرانه و خیرخواهانه اینجانب در دل او اثر خواهد داشت عرض می‌کنم که هرگونه درگیری گروهی و جنگ داخلی در افغانستان شرعاً حرام و مورد بغض و نفرت روح مطهر رسول الله (ص) می‌باشد و به برادران شیعه عرض می‌کنم که جنگ میان آحاد شیعه دل مقدس حضرت بقیه الله (أرواحنا له الفداء) را به درد می‌آورد و هیچ‌یک از آحاد شیعه اعم از حزب وحدت و غیر آن و مردم غیرحزبی، مطلقاً و به هیچ بهانه حق ندارند با یکدیگر جنگ کنند و هیچ تعهدی به سایر گروه‌ها و احزاب افغانی مبنی بر ورود در جنگ، معتبر نیست» (رهبر معظم انقلاب (مدظله)،، ۱۳۷۴/۳/۱۳).

مقام معظم رهبری درباره اهمیت اقتدار جمهوری اسلامی حاصل از انقلاب اسلامی و داشتن ظرفیت تأثیرگذاری در جهان می‌فرمایند: «... من تصورم این است که اگر ما برنامه‌ریزی کنیم، که لابد هم مقدمات و زمینه‌های این برنامه‌ریزی علی‌القاعده در وزارت



خارج و وجود دارد، می‌توان فرض کرد که ایران اسلامی را به یک قدرت حقیقی منطقه‌ای و به تدریج به یک قدرت حقیقی بین‌المللی تبدیل کنیم. یعنی این زمینه امروز در کشور ما وجود دارد» (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹: ۴۰).

ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «... یکی دیگر از مبانی اساسی سیاست خارجی ما، تلاش برای استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام است. یکی از راهکارهای استفاده از ظرفیت بالای جهان اسلام این است که ما دنیای اسلام را به اتحاد ممکن اسلامی - همان مقدار که ممکن است - دعوت کنیم» (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹: ۴۳).

ایشان با اشاره به رفتار ساختارشکنانه نظام جمهوری اسلامی در برهم‌زدن نظم نوین جهانی ادعایی لیبرال دموکراسی غرب در ضمن بیانیه گام دوم می‌فرمایند: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود...» (رهبر معظم انقلاب (مدظله)، ۱۳۹۷: ۱۲).

ایشان با مقایسه وضعیت امروز جمهوری اسلامی ایران با روزهای آغاز انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم به قرارگرفتن ایران در جایگاه متعالی و شایسته در چشم ملت‌های جهان اشاره می‌کنند که از گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش عبور کرده است و درصدد جهانی‌کردن انقلاب و جریان مقاومت است و اگر آن روز مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، مشکل امروز آنها جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایران به نیروهای جریان مقاومت در جهان است و این یکی از نشانه‌های جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران است (رهبر معظم انقلاب (مدظله)، ۱۳۹۷: ۲۹).

معظم‌له در یکی دیگر از دیدارهای خود با سفیران و کارداران جمهوری اسلامی در خارج از کشور درباره سیاست خارجی و ظرفیت‌ها و الزامات آن می‌فرمایند: «... ما کشور و ملت بزرگی هستیم. ما در نقطه مهمی از دنیا قرار داریم. ما روی ملت‌های جهان تأثیر داریم... امروز، بودنمان و حرف و راه و شعارمان و پرچمی که به دست می‌گیریم، روی بخش عظیمی در خارج از محدوده مرزهای خودمان اثر می‌گذارد. ما این طوری هستیم. خیلی‌ها دلشان می‌خواهد با چنین کشوری ارتباط داشته باشند. خیلی‌ها به مصلحتشان است که با چنین

کشوری خوب باشند. ارتباط داشتن با برخی یا بسیاری از کشورها، هیچ هم مستلزم این نیست که از شعارهای انقلابمان برگردیم» (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹: ۵۳).
 مقام معظم رهبری (مدظله) در بیانیه گام دوم انقلاب در ضمن بیان سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوشبینانه به آینده، در ضمن عنوان عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن می‌فرماید: «صحنه جهانی امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند. از جمله آنها تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی براساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم و گسترش حضور قدرتمندان سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان است» (رهبر معظم انقلاب (مدظله)، ۱۳۹۷: ۴۶).

ایشان با بیان مصادیق امروزی درباره تأثیر اندیشه‌های حضرت امام (ره) و آرمان‌های انقلاب اسلامی و آموزه‌های اسلامی و شیعی در کشورهای دنیا و یادآوری ظرفیت‌های نظام جمهوری اسلامی می‌فرمایند: «... امروز جمهوری اسلامی گردنی برافراشته دارد؛ درحالی‌که، شعارهایی که سی سال پیش می‌داده، امروز در کشورهایی که سی سال با ما دشمنی کردند، دارد تکرار می‌شود. اینها موفقیت نیست؟ اینها پیشرفت نیست؟ من در آن جلسه بیداری اسلامی گفتم که اوایل انقلاب جزو چیزهایی که ما تصور می‌کردیم، این بود که بازتاب حرکت انقلابی ما در کشورهای گوناگون اسلامی و در درجه اول در مصر تحقق پیدا کند. از مصر هیچ صدایی بلند نمی‌شد... ولی امروز این مصر، مصر حسنی مبارک، مصر انورالسادات، مصر پناه‌دهنده به محمدرضا شاه مطرود از همه‌جا حتی از آمریکا، در اختیار مردمی است که شعار الله اکبر می‌دهند، نمازجماعت می‌خوانند، شعار اسلامی می‌دهند، حکومت اسلامی را مطرح می‌کنند. پیشرفت یعنی این، استحکام یعنی این، قدرت یعنی این... امروز در شمال آفریقا، در خاورمیانه (غرب آسیا و شرق آفریقا)، در خلیج فارس، این حرف سبز شده» (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۸).



نتیجه‌گیری

با عنایت به مطالب گفته‌شده نتیجه‌گیری می‌شود اگرچه، جهانی شدن فرایندی ناخواسته ولی هدف‌مند است و در بستر تفکرات سیاسی لیبرال دموکراسی رشد یافته و در حال درنوردیدن جهان است، ولی انقلاب اسلامی ایران که در بستر آموزه‌های نورانی و مترقی اسلام و با رهبری‌های پیامبرگونه محیی و مجری اسلام ناب محمدی حضرت امام خمینی (ره) به پیروزی رسیده است و در ادامه نیز با رهبری‌های حکیمانه مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، می‌تواند با تکیه بر ظرفیت‌هایی که برخاسته از همان آموزه‌هاست، با تمسک به تدبیر حکیمانه تشکیل امت واحده جهانی به جای تفکر انحرافی دهکده جهانی، انقلاب اسلامی ایران را در تراز بین‌المللی تکثیر کند.

با توجه به آثار و پیامدهای جهانی شدن برای تمام جوامع بشری و با عنایت به وضعیت ویژه جوامع اسلامی، چالش‌ها و تعارض‌های جهانی شدن نسبت به جوامع و اندیشه اسلامی به‌ویژه، انقلاب اسلامی ایران که برخاسته از اندیشه‌های سیاسی اهل بیت (س) است، می‌تواند با اقامه دلایل و ظرفیت‌های عقلانی انطباق مبنای انقلاب با فطرت، که مقام معظم رهبری (مدظله) در بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره کرده‌اند، انعطاف‌پذیری، متعادل‌بودن دستاوردها و عقلانیت، این چالش‌ها و تعارضات را هوشمندانه مدیریت و زمینه جهانی شدن انقلاب اسلامی را فراهم کند.

منابع

- قرآن کریم

- آل‌نجف، عبدالکریم (۱۳۸۲). «دولت جهانی در پرتو اندیشه اسلامی»، حکومت اسلامی، سال ۸، شماره ۴.
- امام خمینی، سید روح‌الله (ره) صحیفه نور، جلد ۱۳ و ۱۷، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امیدوار، احمد و حسین یکتا (۱۳۷۹). امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، روایتی جهانی، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، دفتر سیاسی، خرداد.
- پورااحمدی، حسین (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرایند جهانی شدن، مؤسسه چاپ و نشر عروج.



- توال، فرانسوا (۱۳۸۰). ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه حسن صدوق، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- حمید مولانا (۱۳۸۱). «نظریه گفتگوی تمدن‌ها»، مجله گفتمان، تابستان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، زمستان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). راهبردهای سیاست خارجی در بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله)، تهران، مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی.
- دیوید هلد و آنتونی مک‌گرو (۱۳۸۲). جهانی‌شدن و مخالفان آن.
- رجالی، فرهنگ (۱۳۸۱). نظریه «روابط بین‌الملل در دنیای جهانی‌شده».
- رمضان، روح‌الله (۱۳۷۴). «آمیختگی تمدن‌ها» مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، مرداد و شهریور.
- روزنامه کیهان (۱۳۷۶). ۲۵ و ۲۹ بهمن.
- سجادیپور، محمدکاظم (۱۳۸۱). جهانی‌شدن؛ برداشت‌ها و پیامدها، تهران، دفتر مطالعات سیاسی.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۵). «جهانی‌شدن و عصر ظهور»، روزنامه همشهری، ۳۱ فروردین.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۸). «شیعه و جهانی‌شدن»، شیعه‌شناسی، شماره ۳ و ۴.
- سید رضی، نهج البلاغه (۱۳۸۶). ترجمه علی شیروانی، نامه ۶۲، قم، انتشارات دارالعلم، چاپ چهارم.
- طاهری، سید مهدی (۱۳۸۶). «بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان»، پایان‌نامه، دانشگاه مفید.
- قمی، شیخ‌عباس، مفاتیح الجنان (۱۳۸۹). ترجمه الهی قمشه‌ای، چاپ ۱۸، قم، انتشارات فاطمه‌الزهرا.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، ج ۱، تهران، طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۵). فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۲). «اثبات برتری عقلانیت تشیع در اداره جامعه»، روزنامه کیهان، ۱۸ بهمن.



- نرم‌افزار حدیث ولایت، دیدار با جمعی از مبارزان شیعه لبنان، گروهی از خانواده‌های معظم شهدا و اقشار مختلف مردم تهران.
- نکوئی سامانی، مهدی (۱۳۸۷). «اسلام و جهانی‌شدن، تعامل یا تقابل»، معرفت، شماره ۱۳۳، دی.
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹). جهانی‌شدن، ترجمه اسماعیل مردانی، سیاوش مریدی تهران، سازمان مدیریت صنعتی، چاپ اول.
- والرشتاین، امانوئل، «سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی»، مطالعات راهبردی ۱۳.
- ویلیامز، مارک، «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۱۱-۱۲.
- یان آرت شولت (۱۳۸۲). نگاه موشکافانه بر پدیده جهانی‌شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول.

